

سناریوهای نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

علی فرهادی^{۱*}

چکیده

آمریکایی‌ها پس از ناکامی‌های مکرر در پروژه «براندازی» به دنبال «استحاله» و «نفوذ» بر جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های تصمیم‌گیر، تصمیم‌ساز و امنیتی مثل نیروهای مسلح برآمدند و از این رو این پژوهش با هدف تبیین سناریوهای نفوذ نرم دشمن در کارکنان سازمان‌های نظامی انجام شده است. این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که به روش سناریونویسی در دو فاز انجام شده است. در فاز اول فرمایشات مقام معظم رهبری بررسی و تحلیل شده و در فاز دوم بر مبنای نظر خبرگان سناریوهای نفوذ دشمن تبیین گردیده است. جامعه آماری تحقیق در فاز اول همه فرمایشات رهبری بوده و در فاز دوم تعداد ۹ نفر از خبرگان حوزه مورد مطالعه بودند که با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب گردیدند. در فاز اول تحقیق داده‌های لازم از طریق تحلیل محتوای کیفی فرمایشات مقام معظم رهبری گردآوری گردیده و در فاز دوم با نظر خبرگان عامل‌های کلیدی و نیروهای پیشران شناسایی و به روش خبرگی نهایی گردید. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که چهار عنوان سناریو نفوذ برای نیروهای مسلح متصور می‌باشد؛ نفوذ گسترده در سطح کارکنان (با تأکید بر رویکرد فکری و فرهنگی)، نفوذ جریانی و شبکه‌سازی، نفوذ موردی در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نیروهای نظامی (رده‌های فرماندهی و مدیریتی)، و نفوذ موردی در سطح کارکنان.

واژه‌های کلیدی:

نفوذ نرم، مقام معظم رهبری، نفوذ فکری و فرهنگی، نفوذ جریانی، نفوذ موردی.

^۱. دکتری مدیریت منابع انسانی و مدرس دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری.

مقدمه

بحران نفوذ از مفاهیم اساسی و کلیدی است و تمامی دولت‌ها نیز هر یک به شیوه‌ای با آن مواجه می‌شوند و ناچارند آن را در نظر بگیرند؛ زیرا به تمامی تصمیمات نهادی و غیر نهادی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن که به‌واسطه ژله‌ای شدن مسائل، بحران‌ها شدت بیشتری دارند و بحران نفوذ تهدیدی بالقوه برای یک نظام است که تحت فشار زمانی و شرایط کاملاً نامطمئن، اتخاذ تصمیمات حیاتی را ضروری می‌سازد (آب نیکی، ۱۳۹۳: ۳۹).

جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل ارائه مدل جدیدی از حکومت که برآمده از یک تحول اساسی به نام انقلاب اسلامی است (آب نیکی، ۱۳۹۳: ۲۳) و همچنین دارا بودن منابع عظیم طبیعی (نفت، گاز، معادن و ...) و موقعیت خاص ژئوپولیتیک در منطقه و جهان و داشتن ماهیت ضد استکباری و حمایت از مستضعفین جهان و حفظ سیاست استقلال‌خواهی خود، به‌طور طبیعی در معرض تهدید قرار دارد و قدرت‌های استکباری و در رأس آن‌ها آمریکا همواره چشم طمع بر کشور ما داشته و خواهند داشت (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۱۰). مطالعه سابقه تاریخی نشان داده است که مسلمانان با رهبری رهبران راستین دین اسلام بر هر کاری توانا هستند و مقابله با آن‌ها از ظرفیت‌های معمول معادلات جنگی امروزی خارج است؛ بنابراین بزرگ‌ترین افت و چالش جهان اسلام چه در زمان پیامبر و چه در زمان‌های بعدی و نیز زمان کنونی، نفوذ بوده است (کرمی، ۱۳۹۵: ۵۱). تهدیدات آمریکا در دو نوع «سخت» و «نرم» علیه جمهوری اسلامی ایران همواره در دو دهه گذشته وجود داشته ولی محاسبات راهبردی آمریکا در منطقه به‌طور جدی دستخوش تغییر شده و به همین دلیل به نظر می‌رسد آمریکا در حال تغییر شیوه‌ها و راهبردهای اعمال قدرت بازدارندگی خود در این منطقه می‌باشد و در حال حاضر تهدیدات نرم شامل؛ جریان‌سازی داخلی و فعال کردن چالش‌های قومی-مذهبی با هدف ایجاد موازنه و وحشت علیه ایران، جنگ رسانه‌ای و بی‌ثبات‌سازی داخلی و ایجاد شکاف در جبهه مقاومت در حال اجرا می‌باشد (مؤمن زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۴). سناریوهای تهدید غیرنظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران شامل؛ تغییر رفتار به‌منظور تسلیم‌سازی و عملیات روانی می‌باشد که هدف نخست این سناریوها، ایجاد تغییر رفتار در ایران می‌باشد که در این راستا چند دسته اقدامات انجام می‌دهد:

(الف) در حوزه اقتصادی با تحریم‌های یک و چندجانبه به دنبال ایجاد تغییر در دیدگاه مردم و مسئولین می‌باشد.

ب) در بُعد سیاسی امنیتی به دنبال ایجاد شکاف درون حاکمیت، تلاش برای نفوذ در جامعه مدنی ایران و نزدیک شدن به جریان‌های معاند نظام بر خواهد آمد و با کمک رسانه‌ها و انجام عملیات روانی، به دنبال متزلزل کردن روحیه ملی و تضعیف باورهای ملت می‌باشد (همان منبع: ۱۶۳-۱۶۴).

بنابراین به نظر می‌رسد دشمنان بعد از ناکامی در مواجهه سخت با انقلاب اسلامی، استراتژی‌های خود را تغییر داده و به نوعی جهت‌گیری‌های متفاوتی در پیش گرفته و به سمت نفوذ متمایل شده است. وضعیت کنونی جهان اسلام نیز نشان دهنده کاربرد بودن پدیده نفوذ برای مداخله و دست‌کاری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهان اسلام است (کرمی، ۱۳۹۵: ۵۳). از این رو مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) این خطر را تشخیص و در این خصوص فرموده‌اند: "یک‌جور دشمنی، دشمنی‌های نرم است که من از چندی پیش مسئله‌ی نفوذ را مطرح کردم؛ نفوذ خیلی مسئله مهمی است." (فرمایشات، ۹۴/۹/۴) و ایشان هدف اصلی نفوذ را نیز نخبگان، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور می‌دانند و می‌فرمایند: "ماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، این‌ها آماج نفوذند؛ این‌ها هستند که سعی می‌شود روی این‌ها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است..." (همان منبع).

مرور تاریخی تحولات جمهوری اسلامی ایران (کودتای ۲۸ مرداد) و شواهد و قرائنی از جمله اظهارات صریح "رکس تیلرسون" رئیس دستگاه دیپلماسی آمریکا در نشست کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا مبنی بر حمایت از عناصر داخل ایران و تغییر صلح‌آمیز نظام سیاسی (ایرنا، ۹۶/۴/۸ و کیهان، ۹۶/۳/۲۳)، ایجاد بخش عملیات‌های ایران در سازمان سیا در تاریخ ۹۶/۳/۱۲ و قرار دادن ایران در ردیف کشورهای هم‌چون روسیه و کره شمالی و همچنین علاقه‌مندی مراکز تحقیقاتی آمریکا بر مطالعه دقیق فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و شاخص‌های آن از جمله بحث قومیت‌ها و فرقه‌گرایی^۱ نشان از برنامه‌های دشمن برای نفوذ در جمهوری اسلامی ایران دارد؛ اما چیزی که در خصوص نفوذ و شناخت آن مهم است،

۱. مطالعه‌ای با عنوان "به‌سوی کربلا" توسط فوتینی کریستا، الیزابت دکیسر، دین ناکس ۲۰ اکتبر، ۲۰۱۶ توسط دانشگاه MIT انجام شده است. در این مطالعه در هنگام برگزاری مراسم اربعین سال ۲۰۱۵ اقدام به نظرسنجی و بررسی ویژگی‌های جامعه ایران و عراق در زمینه منبع کسب خبر آن‌ها، فرقه‌گرایی، حقوق بشر و دموکراسی، درگیری‌های منطقه‌ای، نگرش در مورد آمریکا و جامعه بین‌المللی و ... انجام داده و در این نظرخواهی ویژگی‌های مهم ایران و عراق را بررسی کرده است.

چگونگی مواجهه با آن است (آب نیکی، ۱۳۹۳: ۳۹)؛ زیرا تلاش برای ساختن آینده مطلوب جزء دغدغه‌های دائمی انسان‌های متفکر است، اما این امر به سهولت امکان‌پذیر نیست، چون تمام دانش انسان درباره گذشته است درحالی‌که تصمیم‌های وی به آینده مربوط می‌شود (رالستون و ویلسون، ۱۳۸۹: ۷). یکی از بسترهای نفوذ از زمان صدر اسلام تاکنون از نظر مکانی، در میدان‌های نبرد و در بین لشگریان بوده است و از نظر زمانی نیز در زمان‌های بحران، اتحاد و همدلی و جنگ بوده است (کرمی، ۱۳۹۵: ۳۸). در همین راستا یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی نیروهای مسلح، جلوگیری از غافل‌گیری، رصد، شناسایی، پیش‌بینی و تبیین شیوه‌های نفوذ است که احتمالاً از سوی قدرت‌های استکباری بالأخص امریکا متوجه کشور خواهد شد. با توجه به طیف گسترده و متنوع نفوذ، اقدام انفعالی و عدم برنامه‌ریزی برای آینده و آینده‌پژوهی در این حوزه بسیار خطرناک و غیرمنطقی می‌باشد (طاهری، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

بنابراین تبیین سناریوهای دشمن، چالشی است که دغدغه‌ی اصلی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، فرماندهان نظامی و بسیاری از پژوهشگران عرصه‌ی نظامی را به خود اختصاص داده است. تا با عنایت به آن بتوانند شمای روشنی از آنچه احتمالاً در آتیه رخ خواهد داد را به تصویر بکشند (ستاریخواه و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸ و طاهری، ۱۳۹۵: ۱۱۱). با نگرش به مطالب عنوان‌شده، مسئله اصلی تحقیق ناشناخته بودن سناریوهای نفوذ دشمن در نیروهای مسلح می‌باشد. بنابراین این تحقیق به دنبال کشف و استخراج مهم‌ترین عوامل کلیدی و پیشران‌های سناریو نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح و درنهایت تدوین سناریو نفوذ نرم دشمن در کارکنان نیروهای مسلح می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

سناریوها^۱ تصاویری از آینده‌های محتمل هستند که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویری باورپذیر و سازگار از آینده ایجاد می‌کنند (خوش‌دهان، ۱۳۸۸: ۸). شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌ها و روندهای آینده، دغدغه‌ی اغلب دولت‌ها و مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راهبردی محسوب می‌شود (بوشهری و همکاران، ۱۳۸۷: ۳). سناریو مجموعه‌ای متشکل از توصیف وضع آینده و تسلسل رویدادهایی است که به گذار از

۱. Scenario

وضع کنونی به وضع آینده می‌انجامد (مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۳۴). تکنیک سناریونویسی به‌طور مؤثری برای آینده دور سازمان‌ها کاربرد دارد (ستاریخواه، ۱۳۹۳: ۸۰) و بر مبنای روش شوارتز سناریوها در شش گام؛ شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی، شناسایی نیروهای کلیدی و نیروهای پیشران، طبقه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت، انتخاب منطق سناریوها و پربار کردن سناریوها یا همان داستان‌سرایی انجام می‌پذیرد. سناریوها را می‌توان به سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه، فاجعه‌آمیز و معجزه آسا تقسیم‌بندی نمود (همان، ۱۰۶). نفوذ در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که یک نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند و اصطلاحاً عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). و گاه به اعمال قدرت اجتماعی افراد یا گروه‌ها، برای تغییر در نگرش‌های رفتار دیگران تعریف می‌شود (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۱۷۷). به اعتقاد فرنچ و ریون، نفوذ اجتماعی مستلزم آن است که شخص یا گروه برای تغییر نگرش‌ها یا رفتار دیگران "قدرت اجتماعی" خود را اعمال کنند (استرایکر، شلدون و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۴۱). نفوذ، پاسخ رفتاری نسبت به اعمال قدرت و یا به عبارت دیگر، نتیجه‌ای است که از طریق به‌کارگیری قدرت حاصل می‌شود (رضاییان، ۱۳۸۶: ۷). توانایی فرد در تغییر دادن رفتار دیگران بدون داشتن موقعیت رسمی (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۶۲۰) و فرآیند اثرگذاری بر افکار، رفتار، یا عواطف شخص دیگر را نفوذ گویند. اگر شخصی بتواند دیگری را متقاعد کند که عقیده‌اش را درباره یک یا چند موضوع تغییر دهد، رفتاری را انجام دهد و یا از انجام آن خودداری کند و به محیط پیرامون خود، به شکلی خاص بنگرد، در حقیقت نفوذ، تحقق یافته و «قدرت»، به کار گرفته شده است (مورهد، ۱۳۸۵: ۳۸۲).

بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن، همواره از آدم (ع) تا خاتم (ص)، پیامبران (ع) بر آن بودند تا عقلانیت و عواطف ایمانی را در اشخاص پدیدآورند که خود موتور پیشران حرکت‌های سازنده اجتماعی در قالب تعلیم و تزکیه است تا بتوانند عدالت را در جامعه بشری بر اساس حقوق و حقایق برپا دارند و برای تحقق آن قیام کنند (حدید، آیه ۲۵). در برابر این حرکت سازنده پیامبران، همه شیاطین و دشمنان پیامبران پیوسته بر آن بودند با توسل به انواع روش‌ها، عواطف و احساسات انسان را تحریک کرده و با دور ساختن مردم از عقلانیت، حرکت‌های شیطانی آنان را یاری رسانند و در خدمت اهداف شیطانی قرار دهند. مطالعه سابقه تاریخی جریان نفوذ در صدر اسلام و در زمان حضرت علی (ع) این‌گونه برداشت می‌شود که نیروی ایمان اسلامی بسیار باصلابت و غیرقابل مقابله است و تاریخ نیز نشان داده

است که مسلمانان با رهبری رهبران راستین دین اسلام بر هر کاری توانا هستند و مقابله با آن‌ها از ظرفیت‌های معمول معادلات جنگی امروزی خارج است. جنگ‌های رودرروی کفار و امپراتوری‌های زمان ظهور اسلام و پیروزی مسلمانان در این جنگ‌ها، خود اثبات‌کننده این مدعا است؛ بنابراین بزرگ‌ترین افت و چالش جهان اسلام چه در زمان پیامبر و چه در زمان‌های بعدی و نیز زمان کنونی، نفوذ بوده است. دشمن بعد از ناکامی در رویارویی عریان و آشکار با مسلمانان، زیرکانه تغییر رویکرد داده و سعی کرد بانفوذ در زبان، بازوان و قلب‌های مسلمین به تدریج آنان را سست، ضعیف و پراکنده نماید. مسلمانان زمانی شکست خوردند که شعارهای انحرافی بر زبان راندند و قلب آن‌ها یقین خود را نسبت به اسلام و رهبران دینی از دست داد و در نهایت نیرو و توان بازوان خود را نه در راه غلبه بر مجریان و عوامل نفوذ، بلکه برای مبارزه با برادران خود به کار انداختند (کرمی، ۱۳۹۵: ۵۱).

تاریخ ورود و نفوذ دولت‌های بیگانه در کشور ما از سال ۱۸۰۰ میلادی است؛ یعنی دویست و دوازده سال است که اولین نفوذ خارجی از طریق حکومت انگلیسی هند اتفاق افتاد؛ جان ملکم انگلیسی آمد ایران و تبعاتی که پیش آمد. ضعف آن دولت‌ها در مواجهه‌ی بانفوذ و تهاجم فرهنگ غربی و سیاست غربی و حکومت‌های غربی، موجب انفعال کشور شد و همین‌طور رفته‌رفته ما دچار ضعف شدید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۴/۳۰). مناسبات سیاسی و دیپلماتیک بین ایران و آمریکا در ۱۲۶۲/۱۸۸۳ برقرار شد و نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران با اعزام مبلغان مسیحی در سال ۱۲۸۹/۱۹۱۰ توسط آمریکا به ایران با هدف آموزش کودکان ایران با شعار بشردوستی و برادری و اتحاد زیر نظر انجمن تربیتی ایران و آمریکا آغاز شد. آمریکا، ایران را به دلیل وجود معادن فراوان و دست‌نخورده و همچنین نفت فراوان برای سرمایه‌گذاری مناسب می‌دانست و همواره برای تسلط بر ایران تلاش و در این را توطئه‌های متعددی را بکار بست و در نهایت با کودتای ۲۸ مرداد نفوذ خود را کامل کرد (جعفری و پاینده، ۱۳۹۵: ۳۳).

پس از اشغال افغانستان و عراق و عدم موفقیت کامل در کنترل این کشورها، سیاست آمریکا در قبال ایران نیز از یک‌جانبه‌گرایی و استراتژی جنگ پیش‌دستانه، به استراتژی قدیمی دوران جنگ سرد، یعنی سیاست نفوذ و سد نفوذ تغییر کرد (غریاق‌زندی، ۱۳۸۷: ۹۰) و اکنون با تغییر و تحولاتی که در عرصه سیاسی (مذاکرات) و تحولات منطقه به وجود آمده، آمریکا قصد دارد از سیاست نفوذ در ایران استفاده و از این طریق اهداف خود را دنبال نماید. آمریکا این سیاست را در زمان جنگ سرد بر علیه روسیه به کار بسته و در مورد ایران نیز پس

از هزینه‌های سنگین در عراق برای حفظ نفوذ، متوجه شده که امکان تغییر رژیم و تهاجم نظامی برای ایران وجود ندارد، بنابراین سعی می‌کند رفتار ایران را با مجموعه اقداماتی از جمله نفوذ تغییر دهد یا با محدود کردن نفوذ ایران در منطقه به اهداف خود دست یابد؛ زیرا آن‌ها معتقدند که ماهیچه کار مغز را نمی‌تواند انجام دهد، بنابراین حفظ نفوذ فقط به قدرت نیاز ندارد، بلکه نبود مقاومت نیز ضروری است (غریاق‌زندی، ۸۷: ۹۲). ایالات متحده آمریکا در گزینه تهدید نظامی علیه ایران با یک تناقض مواجه است؛ از یک طرف تمایل دارد با جدی نشان دادن گزینه نظامی، محاسبات راهبردی رهبران ایران را دچار تغییر کند. از طرف دیگر، گزینه نظامی را برخلاف اهداف راهبردی خود می‌داند. چراکه این گزینه، اجماع ملی در داخل ایران را به شدت تقویت می‌کند (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

مقام معظم رهبری این تغییر استراتژی آمریکا را سریعاً تشخیص داده و در سخنرانی‌های سال‌های اخیر خود بارها در این مورد پیش‌آگاهی و تذکرات لازم را داده‌اند؛ «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. (مقام معظم رهبری، ۹۴/۶/۲۵). به هیچ‌وجه اجازه داده نشود که آن‌ها به بهانه نظارت، به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند؛ مطلقاً. مسئولان نظامی کشور به هیچ‌وجه مأذون نیستند که به بهانه نظارت یا بازرسی و مانند این‌ها، بیگانگان را به حریم و حصار امنیتی و دفاعی کشور راه بدهند، یا توسعه دفاعی کشور را متوقف کنند. توسعه دفاعی و توانایی دفاعی کشور، مشت محکم ملت در عرصه نظامی است و بایستی همچنان محکم بماند و محکم‌تر شود» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۱/۲۰). بنابراین در این شرایط پرداختن به موضوع نفوذ و سناریوهای مختلف دشمن برای نفوذ در کشور از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و طبق فرمایشات ارزشمند مقام معظم رهبری «... آینده را ترسیم کنید نه مطابق جهت ترسیم‌شده‌ی غربی‌ها، جهت حرکت را خودمان تعیین کنیم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۸/۶).

آمریکا به‌عنوان هژمونی بین‌المللی در گذشته در صدد بود تا از طریق دیپلماسی قهرآمیز و اعمال فشارهای اقتصادی، جمهوری اسلامی را به تمکین وادارد که تلاش برای امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران و ارجاع پرونده به شورای امنیت از این سیاست و الگوی رفتاری بود که محقق نگردیده است. از سوی دیگر استراتژی آمریکا در قرن ۲۱ بر اساس اقدامات پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه تنظیم و تدوین شده است که شامل مهار و محدودسازی قدرت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (افضلی و کیانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). «رکس تیلرسون»، وزیر خارجه آمریکا در نشست استماع سنا اذعان کرده، «سیاست ما در قبال ایران مقابله با این

هژمونی، مهار توانایی آن‌ها برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای و اقدام برای حمایت از آن عناصری در داخل ایران، به نحوی است که به تغییر صلح‌آمیز آن نظام سیاسی منجر شود. همان‌طور که می‌دانیم چنین عناصری در داخل ایران هستند.» (کیهان، ۹۶/۳/۲۳: کد خبر ۱۰۶۵۳۰). بنابراین فرمایشات رهبری در خصوص خطر نفوذ و قطعیت آن توسط بالاترین مقام سیاست خارجی آمریکا تأیید شده است.^۱

نفوذ سه نوع مهم از پیامدهای رفتاری را به دنبال دارد؛ پذیرش^۲ (اجابت یک درخواست صریح و مستقیم)، اطاعت^۳ (انجام یک دستور صریح که معمولاً صادرکننده‌ی آن شخصی قدرتمند یا دارای پایگاه بالای اجتماعی است) و هم‌رنگی^۴ یا هم‌نوایی در نتیجه فشار غیرمستقیم گروه انجام می‌گیرد (فرانزوی، ۱۳۸۱ ص ۱۷۸ و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ۳۶۴). پول، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید، از جمله وسایلی هستند که دشمنان به کمک آن‌ها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند (آقا بخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۱۴). ابزارهای نفوذ در تاریخ سیاست خارجی آمریکا طیف گسترده‌ای از کمک اقتصادی برای ایجاد نفوذ در ساختار اقتصادی و سیاسی کشورها گرفته تا کمک به نیروهای نظامی، کمک‌های پنهان سیاسی، کمک مالی و تبلیغاتی به چهره‌های سیاسی و احزاب مورد تأیید دولت آمریکا، جایگزین کردن فردی مورد اعتماد به جای رهبر سیاسی همسو، کمک‌های نظامی و اعزام مستشار، مذاکره، جنگ روانی، حمایت از انقلاب‌های رنگین و ... که این اقدامات توسط شبکه‌های ماهواره‌ای برون‌مرزی گسترده (از جمله صدای آمریکا، رادیو/ تلویزیون مارتی، رادیو آزاد اروپا/ رادیو آزادی، رادیو آزاد آسیا و شبکه خبرگزاری خاورمیانه)، دفتر دموکراسی، حقوق بشر و

^۱ تحلیل‌گر بی‌بی‌سی، اظهارات تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا را تأیید آشکار سخنان مقام معظم رهبری در خصوص نفوذ دانسته و گفته "مرداد ۹۴ آیت‌الله خامنه‌ای میحث نفوذ آمریکا در ایران را جدی دانست ... و روز چهارشنبه رکس تیلرسون وزیر خارجه آمریکا در مجلس نمایندگان گفته: «سیاست دولت آمریکا حمایت از انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در ایران است. سیاست ما در قبال ایران این است که هژمونی و استیلای ایران را عقب برانیم، توانایی آن‌ها در تولید تسلیحات اتمی را مهار کنیم و از عناصری در داخل ایران حمایت کنیم که منجر می‌شود به انتقال مسالمت‌آمیز حکومت؛ و البته همان‌طور که می‌دانیم، آن عناصر حضور دارند.» حالا وزیر خارجه آمریکا به‌صراحت سخنان آیت‌الله خامنه‌ای را تأیید کرده است. میل آمریکا به تغییر نظام ایران یا ماهیتش به‌منظور همسو کردن این حکومت با منافع مادی و استراتژیک آمریکا در خاورمیانه امری روشن و آشکار است و حتی نیاز به اعتراف تیلرسون ندارد. یارگیری از داخل ایران یا از داخل افکار عمومی ایرانیان نیز برای این تغییر ماهیت هم روشن است و عجیب نیست"

2. Compliance

3. Obedience

4. Conformity

امور کارگری وزارت خارجه آمریکا، دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا، موقوفه ملی برای دموکراسی و مؤسسات مرتبط با آن که عبارت‌اند از انستیتو دموکراسی حزب دموکرات در امور بین‌الملل، انستیتو بین‌الملل حزب جمهوری‌خواه، مرکز بازرگانی خصوصی بین‌المللی و مرکز آمریکایی همبستگی کارگری بین‌المللی، نهادهای غیرانتفاعی که کمک دولتی از اداره توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID)^۱ برای ترویج دموکراسی دریافت می‌کنند مانند خانه آزادی، بخش‌های مرتبط با عملیات روانی وزارت دفاع و بخش‌های مرتبط با عملیات روانی پنهان در سیا (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۸-۱۵۱). کاخ سفید در سیاست تعاملی خودش، سناریوهای مختلفی برای نفوذ و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تنظیم کرده است که از تغییر در نسل جدید ایران تا حمایت از جریان‌های غرب‌گرا و محرومیت از استفاده از فرصت اقتصادی جامعه جهانی را شامل می‌شود.^۲

روش‌شناسی پژوهش

یکی از موارد استفاده از تحلیل محتوای پیام، پی بردن به اهداف ارسال‌کننده پیام، دلایل ارسال پیام و نتایج مترتب بر آن می‌باشد. به‌عنوان مثال با تجزیه و تحلیل محتوای پیام رهبر یک حزب سیاسی به مخاطبان خود، می‌توان به راحتی به اهداف وی پی برد (هومن، ۱۳۹۳: ۳۹). این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که به روش سناریونویسی در دو فاز انجام شده است. در فاز اول فرمایشات رهبری بررسی و به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده و در فاز دوم اطلاعات به دست آمده در فاز اول بر مبنای نظر خبرگان و به روش سناریونویسی در شش گام تبیین و سناریوها تدوین گردیدند. گام اول؛ مشخص کردن موضوع اصلی سناریو، گام دوم؛ مشخص کردن عوامل کلیدی، گام سوم؛ مشخص کردن پیشران‌ها، گام چهارم؛ تعیین میزان عدم قطعیت عامل‌های کلیدی، گام پنجم؛ شناسایی و تعیین منطق سناریو و گام ششم؛ داستان‌سرایی (خوش‌دهان، ۱۳۸۸: ۳۹-۷۵) و (ستاری‌خواه، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۱۳۲). جامعه آماری تحقیق در فاز اول فرمایشات رهبری بوده و در فاز دوم تعداد ۹ نفر

^۱ United States Agency for International Development

^۲ رکس تیلرسون (۹۶/۳/۲۶): «سیاست در قبال ایران در دست تدوین است ... سیاست ما در قبال ایران مقابله با این هژمونی ... اقدام برای حمایت از آن عناصری در داخل ایران، به نحوی است که به تغییر صلح‌آمیز آن نظام سیاسی منجر شود. همان‌طور که می‌دانیم چنین عناصری در داخل ایران هستند.» (کیهان، ۹۶/۳/۲۶).

از خبرگان حوزه مورد مطالعه بودند که با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب گردیدند.

در فاز اول تحقیق گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای با مطالعه و فیش‌برداری از کتب و مقالات موجود و فرمایشات مقام معظم رهبری انجام شده است و به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل گردیدند و در فاز دوم به روش میدانی و با برگزاری جلسات خبرگی به روش گروه‌های کانونی، اطلاعات تکمیل، عامل‌های کلیدی و نیروهای پیشران شناسایی و سناریوها تبیین شدند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار Maxqda11 با تکنیک تحلیل محتوا بررسی، سپس بر اساس روش سناریونگاری و با مشارکت خبرگان در قالب گروه‌های کانونی به روش خبرگی طبقه‌بندی و نسبت به تبیین سناریوهای مرتبط اقدام شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این تحقیق سناریونویسی در شش گام به شرح ذیل انجام شده است:

گام اول: شناسایی موضوع اصلی سناریونویسی

جهت مشخص کردن موضوع اصلی سناریو معمولاً از چارچوب‌های ذهنی مدیران تصمیم‌گیرنده و رهبران سازمان استفاده می‌شود (خوش‌دهان، ۱۳۸۸: ۴۱). بنابراین در این مطالعه فرمایشات مقام معظم رهبری با استفاده از نرم‌افزار Maxquad تحلیل گردید و نتایج تحلیل نشان داد از شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۴ تمرکز بر پروژه نفوذ به‌طور معنی‌داری در فرمایشات ایشان افزایش یافته و از میانگین دو بار در سال به حدود هفتاد بار در شش‌ماهه اول سال ۹۴ رسیده که روند رشد طبیعی نمی‌باشد و نشان از ضرورت جدی به توجه به این موضوع دارد. از طرفی دیگر مرور تاریخی تحولات جمهوری اسلامی ایران (کودتای ۲۸ مرداد^۱) و همچنین بروز و ظهور شواهد و قرائنی از جمله اظهارات صریح رکس تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا در خصوص تغییر صلح‌آمیز نظام سیاسی ایران^۲، تغییرات ساختاری در مرکز عملیات‌های ایران در سازمان سیا و قرار دادن ایران در کنار کشورهای چون روسیه و

۱. با کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا توانست رقبای بین‌المللی خود را کنار بزند و بر ایران مسلط شود (جعفری و پاینده، ۱۳۹۵: ۴۵).

۲. «سیاست در قبال ایران در دست تدوین است ... سیاست ما در قبال ایران مقابله با این هژمونی ... اقدام برای حمایت از آن عناصری در داخل ایران، به نحوی است که به تغییر صلح‌آمیز آن نظام سیاسی منجر شود. همان‌طور که می‌دانیم چنین عناصری در داخل ایران هستند.» (کیهان، ۹۶/۳/۲۶).

کره شمالی^۱ و همچنین مطالعات مجامع علمی آمریکا در خصوص ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران^۲ حاکی از جدیت آمریکا برای نفوذ در جمهوری اسلامی ایران و تأییدی بر هشدارهای مکرر و نگرانی مقام معظم رهبری دارد.



شکل (۱) نمونه‌ای از شواهد و قرائن برنامه‌های نفوذ آمریکا در جمهوری اسلامی ایران

گام دوم: مشخص کردن عوامل کلیدی سناریوهای نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح
 عناوین عوامل کلیدی اثرگذار محیطی تعیین‌شده‌ی اولیه‌ی سناریو نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح (مطالعه موردی) به شرح جدول (۱) از فرمایشات مقام معظم رهبری احصاء گردیدند.

۱. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، سازمانی جدید را با مأموریت گردآوری و تحلیل اطلاعات مربوط به ایران تشکیل داده است. (ایرنا، ۹۶/۳/۱۶)

۲. مطالعه‌ای با عنوان "به‌سوی کربلا" توسط فوتینی کریستا، الیزابت دکیسر، دین ناکس ۲۰ اکتبر، ۲۰۱۶ توسط دانشگاه MIT انجام شده است.

جدول (۱) عوامل کلیدی سناریو نفوذ نرم دشمن از نظر مقام معظم رهبری

ردیف	عوامل کلیدی	تاریخ بیانات
۱	ایجاد واگرایی نسبت به عقاید اسلامی	۹۲/۲/۹
۲	تضعیف معنویت و دین‌زدایی (رخنه در باورهای دینی)	۱۳۹۴/۷/۲۰
۳	تضعیف روحیه بسیجی و انقلابی (رخنه در باورهای انقلابی)	۱۳۹۴/۶/۲۵
۴	ترویج فساد و بی‌بندوباری و سوق دادن جوانان به فساد	۷۰/۵/۳۰
۵	کوچک شمردن، غفلت و اعتماد و اطمینان به دشمن	۸۶/۲/۲۷
۶	تغییرات بنیادی در حوزه‌های فکری و فرهنگی	۹۴/۹/۴
۷	فرقه‌گرایی انحرافی	۹۲/۲/۹
۸	عدم پایبندی کارکنان و مسئولین به منافع ملی	۸۶/۱۲/۲۲
۹	اولویت منافع گروهی به جای منافع سازمانی و ملی	۸۶/۱۲/۲۲
۱۰	تضعیف اتحاد و همدلی و استحکام درونی و بیرونی (ملی‌گرایی)	۹۴/۳/۱۴
۱۱	ایجاد یاس و ناامیدی و کم‌رنگ کردن حضور فعال در صحنه	۹۴/۳/۱۴
۱۲	ایجاد یاس و ناامیدی در مردم و مسئولان	۹۴/۳/۱۴
۱۳	توسعه رفتار و سبک زندگی غربی	۹۴/۹/۴
۱۴	تضعیف روحیه و ایجاد ناامیدی (دل‌سرد کردن)	۸۶/۶/۳۱
۱۵	سیاه‌نمایی کردن	۱۳۹۴/۷/۲۰
۱۶	ایجاد سستی و بی‌انگیزگی در انجام تکالیف و وظایف	۸۶/۶/۳۱
۱۷	ایجاد سرخوردگی و دست از تلاش کشیدن	۸۶/۶/۳۱
۱۸	تغییر در محاسبات مسئولین و مردم	۱۳۹۴/۷/۱۵

سپس عوامل کلیدی اولیه شناسایی شده از فرمایشات، در جلسه‌ای با نظر خبرگان حوزه مطالعه تعدیل و به شرح جدول زیر اولویت‌بندی گردیدند.

جدول (۲) عوامل کلیدی سناریو نفوذ نرم دشمن

ردیف	عوامل کلیدی
۱	اجبار و اضطراب
۲	انگیزه‌های مادی
۳	اولویت منافع گروهی به جای منافع سازمانی و ملی
۴	ایجاد خلل در باورهای انقلابی و دینی
۵	تعمیق و تراکم شکاف‌های اجتماعی موجود
۶	کوچک شمردن، غفلت و اعتماد و اطمینان به دشمن
۷	میل به قدرت، ثروت و پست و مقام
۸	ولایت ستیزی

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص گردیده، عامل کلیدی اجبار و اضطراب بر طبق نظر اعضای گروه سناریونویسی از نسبت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به عوامل دیگر برخوردار بوده

و کنترل این عامل در دست سازمان می‌باشد و میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران در این عامل ضعیف می‌باشد. انگیزه‌های مادی و اولویت منافع گروهی به جای منافع سازمانی هم به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند که در این عامل‌ها نقش سازمان کم‌تر شده و امکان تأثیرگذاری دشمنان بیشتر می‌باشد.

گام سوم: نیروهای پیشران سناریوهای نفوذ نرم دشمن در نیروهای مسلح
با بررسی فرمایشات، نیروهای پیشران اثرگذار بر روی عوامل کلیدی به شرح جدول زیر احصاء گردیدند.

جدول (۳) پیشران‌های سناریو نفوذ نرم دشمن در ن.م بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری

ردیف	پیشران‌ها	تاریخ فرمایشات
۱	رسانه‌ها	۹۰/۵/۱۶، ۸۵/۸/۱۸ و ۹۰/۶/۲۶
۲	فضای مجازی و سالم‌سازی و حفظ امنیت فضای مجازی	۹۴/۶/۱۴
۳	توسعه فرهنگی، تقویت انقلاب و ارزش‌های آن	۶۵/۹/۱۴
۴	اتحاد و همدلی و حضور فعال در صحنه‌های مختلف	۹۴/۳/۱۴
۵	ایمان به خدا و تمسک جستن به اسلام و تعهد به مبانی اسلام	۹۴/۳/۱۴ و ۹۰/۷/۲۳
۶	بیداری و هشیاری و روشنگری و آمادگی روحی مقابله با حيله‌ها	۹۴/۶/۴، ۸۴/۲/۱۲، ۷۹/۷/۹ و ۸۸/۲/۲۴
۷	عزت‌نفس، استقلال و استقلال‌طلبی	۹۲/۷/۱۵، ۹۳/۴/۱۶ و ۹۲/۱۱/۱۹
۸	عمل به قانون و وظیفه	۸۱/۳/۱۴
۹	فرهنگ ایثار، از خودگذشتگی و شهادت	۹۴/۷/۱۳
۱۰	نرمی، مهربانی با همدیگر و سرسختی با دشمنان	۸۸/۵/۳۱
۱۱	عدالت اقتصادی	۸۵/۶/۶
۱۲	رفاه عمومی و عدالت اجتماعی	۱۳۷۲/۵/۱۲

سپس پیشران‌های شناسایی شده از فرمایشات، در جلسه‌ای با نظر خبرگان حوزه مطالعه تعدیل و به شرح جدول نهایی گردیدند.

جدول (۴) پیشران‌های سناریو نفوذ نرم دشمن

پیشران‌ها	
سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه	رسانه‌ها
سیستم نظارت و کنترل	فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی
جاذبه‌های جنسی	عوامل اقتصادی و پول
رشوه	جنبش‌ها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی
غفلت مدیران و فرماندهان	نهادهای تربیتی و آموزشی
تهدید، تطمیع و فریب	نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی
	بصیرت

گام چهارم: تعیین میزان عدم قطعیت عامل‌های کلیدی

در این گام، بعد از آنکه نیروهای پیشران مشخص شد، در جلسه‌ای، خبرگان موضوع اقدام به اولویت‌بندی عامل‌های کلیدی بر اساس میزان عدم قطعیت‌ها پرداختند و عوامل کلیدی که از اهمیت و عدم قطعیت بیشتری برخوردار بودند را مشخص نمودند.

جدول (۵) عدم قطعیت عوامل کلیدی

اولویت	عوامل کلیدی
اول	اجبار و اضطرار
دوم	انگیزه‌های مادی
سوم	اولویت منافع گروهی به جای منافع سازمانی و ملی
چهارم	ایجاد خلل در باورهای انقلابی و دینی
پنجم	تعمیق و تراکم شکاف‌های اجتماعی موجود
ششم	کوچک شمردن، غفلت و اعتماد و اطمینان به دشمن
هفتم	میل به قدرت، ثروت و پست و مقام
هشتم	ولایت ستیزی

با توجه به اینکه عدم قطعیت عامل‌های کلیدی به هم نزدیک بودند، لذا خبرگان نتوانستند دو عامل کلیدی دارای بیشترین اهمیت و عدم قطعیت را از بین عامل‌های موجود شناسایی نمایند، بنابراین این عوامل در دو محور کلی طبقه‌بندی شدند و دو عامل کلیدی دارای بیشترین اهمیت و عدم قطعیت از بین هشت عامل کلیدی احصاء شده ایجاد و با نظر خبرگان تعدیل و بازتعریف شدند.

- مدیریت اعتقادات (تنفر از نظام اعتقادی خودی و تحسین نظام اعتقادی غیر): اشاره به میزان و درصدی از توانایی دشمن در تهاجم و نفوذ فرهنگی در کارکنان دارد تا از این راه کارکنان با دشمن همزادپنداری کرده و نظام اعتقادی دشمن را قبول می‌کند و از نظام اعتقادی خود گریزان می‌باشد.
- منفعت‌طلبی: اشاره به ویژگی در کارکنان دارد که در صورت قوی بودن این ویژگی در افراد، آن فرد منافع فردی و گروهی را بر منافع سازمانی و ملی ترجیح می‌دهد و تا حدودی با فردگرایی مرسوم در فرهنگ غربی نزدیک می‌باشد. انگیزه‌های مادی در فرد بسیار بالاست و انگیزه هر کاری جهت رسیدن به آن را دارد.

پس از ابداع و خلق دو عامل کلیدی جامع و دارای بیشترین اهمیت و عدم قطعیت از بین تمامی عوامل کلیدی سناریوهای بر اساس فرآیند طی شده در این بخش، نمودار صلیبی آن دو عامل به شرح ذیل ترسیم گردید.



شکل (۲) نمودار صلیبی دو عامل کلیدی دارای بیشترین اهمیت و عدم قطعیت

جدول (۶) استخراج عناوین نهایی سناریوهای محتمل نفوذ در کارکنان ن.م

عوامل کلیدی		سناریوهای محتمل	ردیف
منفعت طلبی	مدیریت اعتقادات		
-	+	سناریوی اول: نفوذ فکری و فرهنگی (نفوذ گسترده)	۱
+	+	سناریوی دوم: نفوذ جریانی	۲
-	-	سناریوی سوم: نفوذ موردی (ایدئولوژیک)	۳
+	-	سناریوی چهارم: نفوذ موردی با انگیزه های مادی	۴

با توجه به دو عامل کلیدی دارای بیشترین اهمیت و عدم قطعیت، چهار عنوان سناریو شناسایی و با اجماع نظر تیم خبرگی نهایی شدند:

بنابراین بر اساس تحلیل فرمایشات مقام معظم رهبری و آسیب شناسی نفوذ دشمنان در ج.ا.ا و با بررسی های به عمل آمده در خصوص میزان آسیب پذیری ها و لزوم توجه به اقدامات پیشگیرانه و کسب آمادگی های لازم، گروه کانونی (خبرگی) چهار سناریو با رویکرد بدبینانه به شرح زیر برای نیروهای مسلح پیش بینی نمودند:

- نفوذ گسترده در سطح کارکنان (با تأکید بر رویکرد فکری و فرهنگی)

- نفوذ جریانی و شبکه‌سازی در درون
- نفوذ موردی در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی (رده‌های فرماندهی و مدیریتی)
- نفوذ موردی در سطح کارکنان.

گام پنجم: شناسایی و تعیین منطق سناریو

در پنجمین قدم جهت شناسایی منطق سناریو، بایستی از عوامل کلیدی هر سناریو، پیشران‌ها و زمان، چگونگی و میزان تأثیر نیروهای پیشران بر عوامل کلیدی و همچنین نیروهای پیشران بر یکدیگر اطلاع حاصل کند؛ بنابراین تیم کارشناسی فاکتورهای کلیدی هر سناریو را به تفکیک مشخص و برای هر یک از فاکتورهای کلیدی اولویت‌بندی شده نیروهای پیشران را مشخص نمودند. عوامل کلیدی نهایی مربوط به سناریوها پس از تأیید خبرگان، طی جدول ترجیحات قضاوتی مورد ارزیابی و سنجش نسبت تأثیر و میزان نفوذ و مداخله در سطح سازمان قرار گرفت که نتیجه آن پس از جمع‌بندی و اخذ میانگین نظرات خبرگان به شرح جداول زیر می‌باشد:

الف) نفوذ گسترده در سطح کارکنان (با تأکید بر رویکرد فکری و فرهنگی)

نسبت تأثیر هر یک از عوامل کلیدی شناسایی شده در تحقق سناریو نفوذ گسترده و میزانی که نیروهای مسلح توانایی نفوذ و مداخله در این عامل کلیدی را دارند، به روش خبرگی و در چارچوب گروه کانونی به شرح جدول ذیل شناسایی و این عوامل به ترتیب از بیشترین تأثیر تا کم‌ترین تأثیر در شکل‌گیری سناریو در جدول زیر مرتب گردیدند.

جدول (۷) عوامل کلیدی موثر در شکل‌گیری سناریو نفوذ گسترده در سطح کارکنان

ردیف	عوامل کلیدی
۱	ایجاد خلل در باورهای انقلابی و دینی
۲	ولایت‌ستیزی
۳	تضعیف بنیان‌های خانواده و ترویج فساد و بی بندوباری
۴	توسعه مصرف‌گرایی و سبک زندگی غربی
۵	ایجاد جاذبه کاذب
۶	ایجاد یاس و ناامیدی

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص گردیده، عامل کلیدی ایجاد خلل در باورهای انقلابی و دینی و ولایت‌ستیزی از نسبت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به چهار عامل دیگر در این سناریو برخوردار بوده و همچنین میزان نفوذ و مداخله آجا در این عوامل کلیدی زیاد

می‌باشد؛ بالعکس میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران در این عامل ضعیف ارزیابی می‌باشد و بنابراین یکی از هدف‌های دشمنان ج.ا.ا، تلاش برای ایجاد خلل در باورهای دینی و انقلابی و همچنین ولایت‌ستیزی می‌باشد. عامل کلیدی تضعیف بنیان‌های خانواده و ترویج فساد و بی‌بندوباری به همراه عامل توسعه مصرف‌گرایی و سبک زندگی غربی در بین دیگر عوامل کلیدی موجود در این سناریو از اولویت بالاتری (در نسبت تأثیر) برخوردار می‌باشند. شایان ذکر است میزان نفوذ و مداخله سازمان در این عوامل متوسط و ضعیف می‌باشد و در مقابل میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران بر این عوامل، به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی و امکانات رسانه‌ای گسترده، بسیار زیاد می‌باشد. عامل کلیدی ایجاد جاذبه کاذب و ایجاد یاس و ناامیدی در شکل‌گیری این سناریو نقش کمتری دارند و میزان نفوذ و کنترل سازمان در این عوامل متوسط می‌باشد و در مقابل میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران بر این عوامل قوی می‌باشد و آنان با توسل به امکانات گسترده خود، ضمن ایجاد جاذبه کاذب، دنبال گسترش ناامیدی در سطح جامعه هستند. سپس برای هر عامل کلیدی و پیشران‌های شناسایی شده ماتریس ارتباط کمی نیروهای پیشران با عامل‌های کلیدی تشکیل گردید و در چارچوب جلسات گروه کانونی و با رأی‌گیری و اجماع نظر خبرگان نتایج ذیل حاصل گردید. از بین پیشران‌ها، نهادهای تبلیغاتی و فرهنگی، رسانه‌ها، نهادهای تربیتی و آموزشی، فضای مجازی و جنبش‌ها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عوامل کلیدی دارند و از بین عوامل کلیدی نیز بنیان‌های خانواده، جاذبه‌های کاذب، ولایت‌ستیزی، باورهای دینی و اسلامی و ایجاد یاس و ناامیدی بیشترین تأثیرپذیری را از نیروهای پیشران دارند.

ب) نفوذ جریانی و شبکه‌سازی در درون سازمان

نسبت تأثیر هر یک از عوامل کلیدی شناسایی شده در تحقق سناریو نفوذ جریانی و شبکه‌سازی در درون سازمان و میزانی که نیروهای مسلح توانایی نفوذ و مداخله در این عامل کلیدی را دارند، به روش خبرگی و در چارچوب گروه کانونی به شرح جدول ذیل شناسایی و این عوامل به ترتیب از بیشترین تأثیر تا کم‌ترین تأثیر در شکل‌گیری سناریو در جدول زیر مرتب گردیدند.

جدول (۸) عوامل کلیدی موثر در شکل‌گیری سناریو نفوذ جریانی و شبکه‌سازی در درون سازمان

ردیف	عوامل کلیدی
۱	تعمیق و تراکم شکاف‌های اجتماعی موجود
۲	اولویت منافع فردی و گروهی به‌جای منافع سازمانی و ملی
۳	فرقه‌گرایی انحرافی
۴	تشویق قومیت‌گرایی
۵	تغییر باورها نسبت به گذشته، حال و آینده سازمان

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص گردیده، عامل کلیدی ایجاد تعمیق و تراکم شکاف‌های اجتماعی از تأثیرگذاری بیشتری نسبت به چهار عامل دیگر در این سناریو برخوردار بوده و همچنین میزان نفوذ و مداخله آجا در این عوامل کلیدی خیلی کم می‌باشد؛ بالعکس میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران در این عامل زیاد ارزیابی می‌گردد و دشمنان ج.ا.ا با کمک رسانه‌های پرشمار خود، ضمن تعمیق شکاف‌های اجتماعی، با توسعه فرهنگ خود، به دنبال ایجاد همگرایی در سطح بین‌المللی هستند تا کارکنان این سازمان‌ها را با خود همراه نمایند.

عامل‌های کلیدی اولویت منافع فردی و گروهی به‌جای منافع سازمانی و ملی، فرقه‌گرایی انحرافی و تشویق قومیت‌گرایی در بین دیگر عوامل کلیدی موجود در این سناریو از اولویت بالاتری برخوردار می‌باشند و شایان‌ذکر است که میزان نفوذ و مداخله سازمان در این عوامل متوسط و پایین ارزیابی گردیده و در مقابل میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران بر این عوامل بسیار قوی می‌باشد. عامل کلیدی تغییر باورها نسبت به گذشته، حال و آینده سازمان در شکل‌گیری این سناریو نقش ضعیفی دارند و میزان نفوذ و کنترل سازمان در این عامل زیاد می‌باشد و در مقابل میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران بر این عوامل کم می‌باشد. از بین پیشران‌ها، سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نهادهای تبلیغاتی و فرهنگی، بصیرت و عوامل اقتصادی (پول) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عوامل کلیدی دارند و از بین عوامل کلیدی نیز تغییر باورها نسبت به گذشته، حال و آینده بیشترین تأثیرپذیری را از نیروهای پیشران دارد و سایر عامل‌های کلیدی در جایگاه بعدی قرار دارند.

ج) سناریو نفوذ موردی در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی (رده‌های فرماندهی و مدیریتی) نسبت تأثیر هر یک از عوامل کلیدی شناسایی شده در تحقق سناریو نفوذ موردی در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در درون سازمان و میزانی که نیروهای مسلح توانایی نفوذ و

مداخله در این عامل کلیدی را دارند، به روش خبرگی و در چارچوب گروه کانونی به شرح جدول ذیل شناسایی و این عوامل به ترتیب از بیشترین تا کمترین تاثیر در شکل‌گیری سناریو در جدول زیر مرتب گردیدند.

جدول (۹) عوامل کلیدی موثر در شکل‌گیری سناریو نفوذ موردی در مراکز تصمیم‌گیری

ردیف	عوامل کلیدی
۱	میل به قدرت، ثروت و پست و مقام
۲	اولویت منافع فردی بر منافع سازمانی
۳	کوچک شمردن، غفلت و اعتماد و اطمینان به دشمن
۴	ایجاد جاذبه کاذب
۵	خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص گردیده، میل به قدرت، ثروت و پست و مقام از نسبت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به چهار عامل دیگر در این سناریو برخوردار هستند و همچنین میزان نفوذ و مداخله سازمان در این عوامل کلیدی کم ارزیابی گردیده است؛ بالعکس میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران در این عامل زیاد ارزیابی گردید.

عامل کلیدی اولویت منافع فردی و گروهی به جای منافع سازمانی، فرقه‌گرایی انحرافی و تشویق قومیت‌گرایی در بین دیگر عوامل کلیدی موجود در این سناریو از اولویت بالاتری برخوردار می‌باشند و کوچک شمردن، غفلت و اعتماد و اطمینان به دشمن، ایجاد جاذبه کاذب و خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل در جایگاه بعدی قرار دارند و شایان ذکر است میزان نفوذ و مداخله سازمان در این عوامل به ترتیب کم، متوسط، متوسط و کم ارزیابی گردیده و در مقابل میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران بر این عوامل بسیار زیاد می‌باشد.

از بین پیشران‌ها، بصیرت فرماندهان، رشوه، سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، سیستم نظارت و کنترل و جاذبه‌های جنسی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر عوامل کلیدی دارند و از بین عوامل کلیدی نیز ایجاد جاذبه کاذب بیشترین تأثیرپذیری را از نیروهای پیشران دارد و سایر عامل‌های کلیدی شامل؛ کوچک شمردن دشمن، غفلت و اعتماد و اطمینان به دشمن، خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل، میل به قدرت، ثروت و پست و مقام و اولویت منافع فردی بر منافع سازمانی به ترتیب در جایگاه بعدی قرار دارند.

(د) نفوذ فردی در سطح کارکنان

تأثیر هر یک از عوامل کلیدی شناسایی‌شده در تحقق سناریو نفوذ فردی در سطح کارکنان و میزانی که سازمان توانایی نفوذ و مداخله در این عامل کلیدی را دارند، به روش خبرگی و در

چارچوب گروه کانونی به شرح جدول ذیل شناسایی و این عوامل به ترتیب از بیشترین تا کم‌ترین تاثیر در شکل‌گیری سناریو در جدول زیر مرتب گردیدند.

جدول (۱۰) عوامل کلیدی موثر در شکل‌گیری سناریو نفوذ فردی در سطح کارکنان

ردیف	عوامل کلیدی
۱	انگیزه‌های مادی
۲	اجبار و اضطرار
۳	خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل
۴	تنفر از نظام اعتقادی خودی و تحسین نظام اعتقادی غیر

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص گردیده، عامل کلیدی انگیزه‌های مادی از نسبت تأثیرگذاری بیشتری نسبت به سه عامل دیگر در این سناریو برخوردار بوده و همچنین میزان نفوذ و مداخله سازمان در این عوامل کلیدی خیلی کم ارزیابی گردیده است؛ بالعکس میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران در این عامل زیاد ارزیابی می‌گردد.

عامل‌های کلیدی اجبار و اضطرار، خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل و تنفر از نظام اعتقادی خودی و تحسین نظام اعتقادی غیر به ترتیب در جایگاه بعدی قرار دارند و میزان نفوذ مداخله سازمان در این عوامل به ترتیب زیاد، کم و کم ارزیابی گردیده و در مقابل میزان نفوذ و مداخله دشمنان ج.ا.ایران بر این عوامل نیز به ترتیب کم، زیاد و زیاد می‌باشد. از بین پیشران‌ها، سیستم نظارت و کنترل، عوامل اقتصادی و تهدید، تطمیع و فریب بیشترین تأثیر را بر عوامل کلیدی دارند و از بین عوامل کلیدی نیز انگیزه‌های مادی و خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل بیشترین تأثیرپذیری را از نیروهای پیشران دارند و تنفر از نظام اعتقادی خودی و تحسین نظام اعتقادی غیر در جایگاه بعدی قرار دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی عوامل کلیدی و پیشران‌های سناریوهای چهارگانه، حاکی از آن است که نفوذ فکری و فرهنگی و نفوذ موردی در اشکال مختلف (ایدئولوژیک و مادی‌گرایانه) دارای سابقه طولانی‌مدت در سازمان‌های نظامی کشور ما و اکثر کشورهای مستقل می‌باشد و تا حدودی برای فرماندهان و مدیران شناخته شده می‌باشد و سازمان‌ها هم در این راستا تدابیر پیشگیرانه‌ای را اتخاذ می‌کنند؛ ولی نفوذ جریانی در نیروهای مسلح از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد، لذا این سناریو از نظر خبرگان از اولویت بالاتری نسبت به سه سناریو دیگر برخوردار می‌باشد و مشروح‌تر از سایر سناریوها تشریح خواهد شد. همچنین همانگونه که بیان گردید،

سناریوها را از نظر نوع می‌توان به سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه، فاجعه‌آمیز و معجزه‌آسا تقسیم‌بندی نمود که در این مطالعه برای سناریو اول (سناریو نفوذ گسترده در کارکنان) با رویکرد فکری و فرهنگی) هر دو رویکرد معجزه‌آسا و فاجعه‌آمیز آورده شده و برای سناریوهای بعدی فقط نوع فاجعه‌آمیز آن بیان شده است تا حساسیت در مقابل این سناریوها افزایش و تدابیر و اقدامات پیش‌گیرانه برای مقابله با آنها اتخاذ گردد.

۱) سناریو نفوذ گسترده در کارکنان (با رویکرد فکری و فرهنگی)

الف) رویکرد معجزه‌آسا^۱

در کنار افزایش ضریب نفوذ اینترنت و رسانه‌های دیجیتال، بصیرت و سواد اطلاعاتی کارکنان افزایش یافته و اکثر کارکنان با اهداف پشت‌پرده شبکه‌های اجتماعی وابسته، آگاه شده‌اند و شبکه‌های اجتماعی وابسته نقش‌آفرینی خود را در زندگی کارکنان و پر کردن اوقات فراغت آنان از دست داده‌اند و همزمان رسانه‌های نوشتاری و تصویری داخلی، سبک زندگی ایرانی و اسلامی را ترویج و چهره واقعی فرهنگ اسلامی را ترسیم و آفت‌های سبک زندگی غربی را آشکار نموده‌اند و بنیان‌های خانواده‌ها مستحکم‌تر شده و آمار ازدواج افزایش و سن ازدواج نیز رو به کاهش می‌باشد و انگیزه خانواده‌ها برای بچه‌دار شدن و تربیت فرزندان افزایش یافته و نرخ رشد جمعیت مطلوب شده است. سبک زندگی ایرانی اسلامی رواج و امیدواری در بین کارکنان افزایش یافته است و کارکنان عمدتاً عامل سعادت و خوشبختی را تحقق نیازهای مادی و دنیوی نمی‌دانند و به‌جای منافع فردی، به منافع سازمان و کشور می‌اندیشند و از فرهنگ غربی بیزار هستند. ارزش‌های اصیل دینی و همچنین ارزش‌های انقلابی در بین کارکنان گسترش یافته و حضور در صحنه‌های مختلف و دفاع از منافع ملی به اوج خود رسیده است و ارزش‌های انقلابی‌گری و روحیه بسیجی در بین کارکنان گسترش یافته و در نتیجه جهاد، دفاع و شهادت‌طلبی، در اذهان کارکنان به ارزش‌های قابل قبول تبدیل شده است.

نظام تعلیم و تربیت و نظام آموزشی نیز بر پایه الگوهای اسلامی و بومی (بر مبنای نیاز و سبک زندگی ایرانی-اسلامی) و مبتنی بر توانمندی‌های داخلی توسعه یافته و سازمان‌ها دارای کارکنانی با باورها و آموزه‌های دینی و اسلامی هستند و روحیه ایثارگری، جهاد و شهادت در بین آنان گسترش یافته است.

۱. سناریوها را از نظر نوع می‌توان به سناریوهای خوش‌بینانه، بدبینانه، فاجعه‌آمیز و معجزه‌آسا تقسیم‌بندی نمود و این سناریو از نوع سناریوهای معجزه‌آسا می‌باشد.

(ب) رویکرد فاجعه‌آمیز^۱

ضریب نفوذ اینترنت و رسانه‌های دیجیتال و میزان استفاده کارکنان از آن‌ها به طرز باورنکردنی افزایش یافته و اکثر کارکنان عمدتاً عضو شبکه‌های اجتماعی با موضوعات مختلف (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ...) شده‌اند و شبکه‌های اجتماعی نقش بسزایی در زندگی کارکنان و پر کردن اوقات فراغت آنان بازی می‌کند و در کنار رسانه‌های دیجیتال، رسانه‌های نوشتاری و تصویری، نگرش کارکنان را بر زندگی تغییر و سبک زندگی غربی را ترویج و چهره‌ای زیبا و بی‌نقص از فرهنگ غرب ترسیم می‌نمایند و سبک زندگی ایرانی و اسلامی را نامطلوب جلوه می‌دهند و بنیان‌های خانواده در حال سست شدن می‌باشد و کارکنان جوان دیگر به راحتی تن به ازدواج و قبول مسئولیت زندگی نمی‌دهند و سن ازدواج نیز در حال افزایش است و در بین کارکنان متأهل نیز تعهد به زندگی مشترک کاهش و آمار طلاق در حال افزایش است و ازدواج‌ها هم شکننده و ناپایدارتر شده‌اند و اعتماد طرفین به همدیگر کاهش یافته و برخی از کارکنان در کنار زندگی واقعی خود با یک هویت جعلی در فضای مجازی هم برای خود یک زندگی دیگری ایجاد کرده‌اند و زمانی که صرف این زندگی مجازی می‌گردد بخش قابل توجهی از وقت کارکنان را می‌گیرد و روابط عاطفی بین کارکنان با خانواده‌ها سست و شکننده‌تر می‌گردد. انگیزه خانواده‌ها برای بچه‌دار شدن و تربیت آن کاهش یافته و در صورت داشتن فرزند نیز مسئولیت تربیت آن به مربیان، مهدکودک‌ها و مدارس واگذار می‌گردد و والدین همانند گذشته خود را درگیر تربیت فرزند نمی‌نمایند.

جهان‌بینی مادی، سبک زندگی غربی، رفاه‌طلبی و آسایش ظاهری و جاذبه‌های کاذب، یاس و ناامیدی در بین کارکنان در حال گسترش است و کارکنان عمدتاً همانند غربی‌ها به دنیا روی آورده و عامل سعادت و خوشبختی را تحقق نیازهای مادی و دنیوی می‌دانند و دل‌بستگی شدید به دنیا پیدا کرده‌اند و فردگرایی^۲ توسعه یافته و کارکنان به جای منافع سازمان و کشور به منافع فردی خود می‌اندیشند و کم‌کم از فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی فاصله می‌گیرند و رعایت مظاهر فرهنگ خودی را نوعی عقب‌افتادگی و کسر شأن می‌دانند. ارزش‌های اصیل دینی و همچنین ارزش‌های انقلابی تبدیل به ضد ارزش می‌شود و حضور در صحنه‌های مختلف و دفاع از منافع ملی کاهش می‌یابد و ارزش‌های انقلابی‌گری و روحیه

۱. این سناریو از نوع سناریوهای فاجعه‌آمیز می‌باشد.

۲. فردگرایی ویژگی غالب فرهنگ آمریکائی است که در آن هر فرد بدون در نظر گرفتن منافع گروهی و سازمان، به فکر تأمین منافع فردی خود می‌باشد.

بسیجی در نظر کارکنان غیرموجه جلوه می‌نماید و در نتیجه جهاد و دفاع و شهادت‌طلبی، در اذهان کارکنان بی‌معنی شده و دیگر کارکنان حاضر به شرکت در عملیات‌های پر ریسک نخواهند بود و توان جنگندگی کارکنان کاهش خواهد یافت.

نظام تعلیم و تربیت و نظام آموزشی نیز بر پایه الگوهای غربی و بر مبنای نیاز و سبک زندگی غربی توسعه‌یافته و رفتارها و آموخته‌های ما خالی از ارزش‌های اسلامی و ایرانی خواهند شد و همچنین نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی نیز به دلیل نداشتن استراتژی مشخص تاب مقاومت و برخورد در مقابل این‌همه حمله را نداشته و به‌نوعی خود را درگیر مسائل حاشیه‌ای و کم‌اهمیت نموده‌اند و بنابراین سازمان‌های نظامی با کارکنانی مادی‌گرا، دنیا‌زده و غرب‌زده مواجه خواهند شده که از ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ولایت‌محوری فاصله گرفته و خود را در مقابله با دشمن از پیش‌باخته می‌دانند و دلیلی برای مبارزه با دشمن احساس نمی‌کنند و با اهداف دشمن هماهنگ شده و خواسته و نیت دشمن خواسته و نیت این کارکنان شده است. بنابراین باورها، آرمان‌ها، نگاه‌ها و سبک زندگی کارکنان تغییر می‌یابد و کارکنان چیزی را فکر می‌کنند که آن افسر آمریکایی فکر می‌کند؛ رفتاری می‌کنند که آن افسر آمریکایی انجام می‌دهد و در نتیجه همان چیزی را می‌خواهند که او می‌خواهد.

۲) نفوذ جریانی و شبکه‌سازی^۱

انگیزه‌های مالی و مادی و صرفه‌جویی در هزینه و زمان و دسترسی به امکانات رایگان و جالب و جذاب، موجب گرایش کارکنان به استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شده و اکثر کارکنان با علایق مشترک در یک فضای مجازی دورهم جمع شده‌اند؛ اهداف این شبکه‌ها در ابتدا سرگرمی، ایجاد و توسعه روابط دوستانه و تعامل گروهی و تخصصی می‌باشد (یک هدف جعلی و دروغین) و این شبکه‌ها با نهادینه شدن و پیدا کردن جایگاه و قدرت واقعی خود و با تأثیرپذیری از سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه با اهداف نفوذ در اعضاء خود فعالیت گسترده‌ای را شکل داده‌اند و به خاطر حفظ و گسترش شبکه و اعضاء خود امکانات و خدمات متنوعی را برای اعضاء ارائه و برخی از نیازهای مالی آنان برای برقراری ارتباط و تماس صوتی و تصویری و ... را رایگان تأمین می‌نمایند.

گردانندگان و حامیان این شبکه‌های اجتماعی (سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه) در کنار فعالیت‌های عادی و روزانه خود، باهدف ایجاد شک و تردید در خواص و کارکنان تأثیرگذار، در

۱. این سناریو از نوع سناریوهای فاجعه‌آمیز می‌باشد.

خصوص وضعیت گذشته، حال و آینده، ابهام، سؤال، شک و تردید ایجاد کرده و گذشته را خیلی درخشان و مطلوب معرفی و وضعیت حال و آینده را یاس آور و ناامیدکننده ترسیم می‌نمایند و این حس منفی نسبت به آینده را در بین اعضاء خود گسترش می‌دهند و ادامه این روند را تیره و تاریک ترسیم و اهداف گروهی و تفرقه‌افکنانه‌ای را ترویج و برای اعضاء خود ادراک‌سازی نموده و خط تردید را در سازمان ایجاد و گسترش می‌دهند، به نحوی که اعضاء این گروه‌ها نسبت به وضعیت موجود و آینده سازمان ناامید و بیمناک گردند.

گروه‌های اجتماعی خودساخته با حمایت‌های مالی سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه به دنبال ایجاد شکاف‌های اجتماعی غیرواقعی (مثل؛ درجه‌دار و افسر، خلبان و غیر خلبان، سپاهی و ارتشی و ...) و شکاف‌های اجتماعی سنتی و تاریخی (مثل؛ گروه‌های قومی ترک، فارس، لر، کرد، بلوچ، طالشی، عرب، ترکمن) و مذهبی (شیعه و سنی و ...) در بین کارکنان هستند و با بزرگنمایی تفاوت‌ها و غیرواقعی جلوه دادن آن‌ها زمینه‌های تفرقه و جدایی بین گروه‌های اجتماعی را فراهم نموده و با دستاویز قرار دادن مفاهیمی مثل عدالت اجتماعی زمینه‌های تفرقه و کارشکنی را در سازمان فراهم می‌آورند و در حال تلاش برای گسترش و فعال نمودن این شکاف‌های اجتماعی هستند.

فرقه‌گرایی انحرافی و همچنین قومیت‌گرایی در این شبکه‌ها به شدت تبلیغ می‌گردد و فرقه‌های انحرافی و بالأخص گروه‌های قوم‌گرا با حمایت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه در داخل نیرو اقدام به یارگیری و تشکیل گروه و تیم می‌نمایند و نفوذ در این گروه‌ها و جریان‌ها باعث شده تا خواص و کسانی که باید پیشتاز دفاع از ایران و اسلام باشند، به درکی برسند که در مقابل اهداف سازمان، کشور و اسلام بایستند و اهداف آن‌ها به جای منافع سازمانی و ملی، منافع گروهی و جریانی یا قومی و مذهبی شده است و به تدریج افراد مؤثر سازمان و افرادی که می‌توانند در سازمان اثرگذار باشند به سمت این شبکه‌ها کشیده می‌شوند و آرام آرام باورها، آرمان‌ها، نگاه‌ها، سبک زندگی این کارکنان تغییر خواهد یافت و این کارکنان همان‌طور فکر و رفتار خواهند کرد که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ تشخیص می‌دهد و رفتار می‌کند؛ بنابراین خیال سرویس‌های اطلاعاتی آسوده خواهد شد؛ بدون اینکه لازم باشد خودشان را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشوند، کارکنان برای آن‌ها کار خواهند کرد و درنهایت به همکاری با گروه‌های مشابه در سطح کشور و منطقه روی آورده و از این طریق سازمان و درنهایت امنیت کشور را با بحران مواجه نموده‌اند.

سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه در یک اقدام هماهنگ و چندجانبه در تکمیل فرایند نفوذ جریانی، با استفاده از امکانات عظیم مادی و رسانه‌ای خود، اقدام به تخریب مدیران و فرماندهان مؤمن، متعهد و دلسوز و پای‌بند به ارزش‌های اسلامی و ایرانی می‌نمایند، به نحوی که وجهه و تأثیرگذاری این خدمت‌گزاران در پیش کارکنان تخریب و اعتماد و اطمینان به آنان سلب و قدرت و اختیار و آزادی عمل آنان محدود گردد و در این فضای خودساخته، اجازه تنفس به کارکنان دلسوز و متعهد داده نخواهد شد و نزدیک‌ترین شخصیت‌های نظامی موافق با آرمان‌های انقلاب و اسلام خانه‌نشین خواهند شد.

تولید محتوای بومی و حرکت به سمت شبکه‌های اجتماعی ملی بسیار اندک و قابل‌مقایسه با امکانات دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌باشد و از این رو نهادهای تبلیغاتی و فرهنگی در افزایش بصیرت و ولایت‌محوری کارکنان چندان موفقیتی به دست نمی‌آورند و دشمن در واقع با بهره‌گیری از پتانسیل اجتماعی کارکنان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز که پس از شناسایی از طریق جاذبه‌های مادی و غیرمادی همچون پرداخت پول و ... تطمیع و جذب شده‌اند، بستری را برای دگرگون کردن الگوها و ارزش‌های اسلامی- ایرانی اعضاء این شبکه‌ها را در اختیار دارد. حتی رسانه‌های داخلی هم دانسته یا ندانسته با تولید و نشر محصولات فرهنگی نامناسب، از این پویش دشمنان نظام به منظور شبکه‌سازی و نفوذ حمایت می‌نمایند و در اکثر فیلم‌های اکران شده در سال‌های اخیر اثری از سبک زندگی ایرانی و اسلامی مشاهده نمی‌شود و این رسانه‌ها هم در داخل کشور همان حرف‌های رسانه‌های بیگانه را تکرار می‌نمایند و شبکه‌های کوچک و بزرگی از فعالان فضای مجازی یا حتی رسانه‌ای در داخل سازمان‌ها و کشور ارتباطی مستقیم یا غیرمستقیم با دشمن داشته و از آن خط گرفته و حتی در قبال این خیانت از دشمن "پول" می‌گیرند. عده‌ای نیز ناآگاهانه اسیر دیگر جاذبه‌های فراهم‌شده توسط دشمن (مثل جاذبه‌های جنسی) برای این شبکه ظاهراً بی‌خطر اما در حقیقت خطرناک خواهند شد و تبدیل به عناصر آن می‌شوند و مثل موریانه از داخل پایه‌های سازمان را خواهند جوید و پایه‌های آن را سست و سازمان در ظاهر کار خود را انجام می‌دهد، ولی در مواقع حساس و بحرانی به دلیل از بین رفتن پایه‌های آن (از بین رفتن بصیرت) فرو خواهد ریخت و توان مقابله با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را نخواهد داشت.

۳) نفوذ موردی در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی^۱

با محقق شدن نفوذ فکری و فرهنگی و نهادینه شدن سبک زندگی غربی و اهمیت پیدا کردن جاذبه‌های کاذب، خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل و همچنین میل به قدرت، ثروت و پست و مقام در بین مدیران و فرماندهان گسترش خواهد یافت. متناسب با سبک زندگی غربی و آمریکایی، فردگرایی در بین مدیران و فرماندهان رشد خواهد کرد و مدیران و فرماندهان منافع فردی خود را بر منافع سازمانی ترجیح خواهند داد و معیار آن‌ها در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی تحقق اهداف فردی و رسیدن به آمال و آرزوهای شخصی خود خواهد شد.

سازمان در افزایش بصیرت مدیران و فرماندهان، ناکام خواهد ماند و به خاطر آنس گرفتار با سبک زندگی غربی و در تشخیص حق از باطل و صواب از ناصواب دچار غفلت می‌شود و از این رو دشمن را کوچک می‌شمارند و چون با دشمن هم‌فکر شده‌اند، در محاسبات خود دچار اشکال می‌گردند و به دشمن اعتماد و اطمینان پیدا می‌کنند؛ و این خوش‌بینی و اعتماد و اطمینان به دشمن و پیروی از او، باعث خواهد شد ضربات سنگینی به‌نظام وارد شود. خوش‌بینی بیش از اندازه عاملان و افزایش بی‌توجهی به نفوذهای موردی در بدنه نهادهای امنیتی باعث می‌گردد که آمریکا به‌عنوان دشمن اصلی تلقی نشود و اکثر مدیران و فرماندهان تأثیرگذار علاقه‌مند به برقراری رابطه با این کشور و ارتش آن گردند و تنها را توسعه و رسیدن به اوج اقتدار را تعامل با آمریکا بدانند و این تعامل به رویای آن‌ها تبدیل خواهد شد.

سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه با استفاده از این بی‌بصیرتی، اعتماد و اطمینان به دشمن و میل به قدرت مدیران و فرماندهان و جاذبه‌های کاذب و همچنین ضعف سیستم‌های نظارتی و کنترل، با استفاده از جاذبه‌های کاذب (جاذبه‌های جنسی و ...) به مدیران و فرماندهان نزدیک می‌شود و پس از جلب اعتماد آنان با پیشنهاد رشوه (در اشکال مختلف) و سایر جاذبه‌های کاذب مثل اقامت در کشورهای اروپایی و آمریکا و ... نفوذ خود را در این فرماندهان و مدیران عملی می‌سازد.

دشمنان و سرویس‌های اطلاعاتی وابسته به آن‌ها از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نظامی، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با اساتید، ارتباط با دانشجویان در کنفرانس‌های به‌ظاهر علمی، ولی در باطن برای نفوذ، به دنبال فرستادن افراد امنیتی به این مراکز آموزشی و تربیتی هستند و یا اساتید و دانشجویان مستعد ما را که در کنفرانس‌ها، فرصت‌های

^۱. این سناریو از نوع سناریوهای فاجعه‌آمیز می‌باشد.

مطالعاتی و بورسیه‌های تحصیلی جذب و تحت نفوذ خود قرار می‌دهند و با سرمایه‌گذاری بر روی آن‌ها زمینه‌های نفوذ فردی در سطح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را برای آینده مهیا می‌نمایند.

این قبیل مدیران و فرماندهان در تصمیم‌هایی که در حوزه اختیارات خودشان است مطابق میل و خواسته دشمن رفتار خواهند کرد و در مواردی هم که خود در مقام تصمیم‌گیر نباشند، سعی می‌نمایند با ارائه اطلاعات و راهنمایی‌ها غلط فرایند تصمیم‌سازی را در سازمان دچار مشکل نمایند به نحوی که مدیران و رده‌های تصمیم‌گیر با استفاده از اطلاعات ارائه‌شده این افراد دچار خطا و اشتباه محاسباتی شوند و تصمیماتی بگیرند که به نفع دشمنان و به ضرر کشور و سازمان خودی خواهد شد.

۴) نفوذ فردی در سطح کارکنان^۱

نظامیان که از اقبال متوسط و آسیب‌پذیر جامعه هستند در مواجهه با چالش‌های اقتصادی از قبیل تورم بالا و کاهش قدرت خرید، در زندگی عادی و روزمره خود دچار مشکل می‌گردند و فاصله طبقاتی موجود در جامعه به ضرر کارکنان نظامی در حال افزایش می‌باشد و بر همین اساس انگیزه‌های مادی، قوی‌ترین انگیزه در این کارکنان می‌باشد و آنان همه تلاش و زحمات خود را برای تأمین این نیاز به کار می‌بندند.

سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه که دائماً اطلاعات سازمان‌های نظامی را از طریق روش‌های آشکار و پنهان رصد می‌نمایند، از چالش‌های اقتصادی کشور آگاهی کامل دارند و بنابراین به انگیزه‌های مادی کارکنان نیرو کاملاً آگاه هستند و با برنامه‌های از قبل مشخص‌شده از طریق جاذبه‌های جنسی و با استفاده از غفلت مدیران و فرماندهان و سیستم‌های نظارتی و کنترل، کارکنان را تحت نفوذ خود درآورده و با تهدید به افشاء مدارک و اسناد مربوط به روابط نامشروع، دادن رشوه و تطمیع کارکنان و در مواردی نیز با فریب آنان در خصوص دادن امتیازهای از قبیل سفر به کشورهای خارجی، در اختیار قراردادن خانه و ماشین و ... آنان را مجبور به همکاری خواهند نمود.

سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه در مورد کسانی که با استفاده از انگیزه‌های مادی صرف نمی‌توانند در آن‌ها نفوذ نمایند، شرایط ویژه‌ای را مهیا خواهند کرد تا این افراد به حکم اجبار و اضطرار دست به خیانت بزنند. با شانتاژ جنسی و ارتشاء کارکنان را تهدید، تطمیع و فریب

۱. این سناریو از نوع سناریوهای فاجعه‌آمیز می‌باشد.

می‌دهند و آنان را مجبور به همکاری می‌نمایند و این افراد از ترس لو رفتن خود و حفظ آبرو روند همکاری خود را با سازمان‌های اطلاعاتی بیگانه ادامه می‌دهند و به‌اجبار این روابط ادامه می‌یابد.

کارکنانی که غرب‌زده شده و با فرهنگ و سبک زندگی غربی خو گرفته‌اند، دچار خودپسندی، رفاه‌طلبی و تساهل می‌گردند و داوطلبانه با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه همکاری خواهند نمود و نفوذ این سرویس‌ها را می‌پذیرند و مطابق میل و خواسته آنان در سازمان رفتار و دستورات آنان را اطاعت خواهند کرد. مدیران و فرماندهان نیز از این خطر غفلت کرده و نقش تسهیل‌کننده‌ای در همکاری کارکنان با سرویس‌های اطلاعاتی دشمن دارند.

نفوذ فکری و فرهنگی دشمن نیز بر روی تعدادی از کارکنان مؤثر واقع خواهد شد و این کارکنان از نظام اعتقادی خودی تنفر پیدا کرده و نظام اعتقادی دشمن را تحسین خواهند کرد و تصور می‌کنند که این نظام، آن‌ها، خانواده، گروه و دوستانشان را حفظ می‌کند و به آن‌ها انرژی می‌دهد. این عده بدون چشم‌داشت مالی از جان خود مایه می‌گذارند و خدمت به آرمان خود را پاداش خویش می‌دانند و سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه نیز با استفاده از انگیزه ایدئولوژیک این کارکنان به‌راحتی در آنان نفوذ کرده و در نتیجه دشمن در یک پروسه زمانی بعد از شروع به نفوذ فکری و فرهنگی، نفوذ فردی را در سازمان گسترش و به افرادی که برای اهداف خود نیاز دارد به‌راحتی دسترسی پیدا خواهد نمود.

پیشنهادها

بر طبق فرمایشات مکرر و هشدارهای آشکار و پنهان مقام معظم رهبری و همچنین بروز و ظهور شواهد و قرائنی از جمله مطالعه به‌سوی کربلا^۱ و همچنین اقدام اخیر سازمان سیا در ایجاد مرکز عملیات‌های ایران در آن سازمان و قرار دادن ایران در کنار کشورهای چون روسیه و کره شمالی، حاکی از جدیت آمریکا برای نفوذ در جمهوری اسلامی ایران دارد، بنابراین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت و جایگاهی که در زمینه دفاع از کشور دارد، طبق توصیه و هشدارهای مکرر مقام معظم رهبری، بایستی در اقدامی پیش‌دستانه راهبردهای مقابله با سناریوهای نفوذ دشمن را تدوین نمایند و با تمسک جستن

^۱. شایان‌ذکر است در مطالعه به‌سوی کربلا، پژوهشگران دقیقاً به دنبال تعیین وضعیت عوامل کلیدی و پیشران‌های جامعه ایران و عراق بوده‌اند تا با شناسایی این عوامل بتوانند برنامه‌های بعدی خودشان را در راستای نفوذ انجام دهند.

به اقدامات زیر که از فرمایشات آن حضرت احصاء شده است، خود را از نفوذ دشمن در امان نگه‌دارند تا بتوانند امنیت جمهوری اسلامی ایران را همانند گذشته با اقتدار کامل تأمین نمایند:

- ایمان به خدا و تقویت معنویت در بین کارکنان
- ایجاد اتحاد و همدلی در بین کارکنان در رده‌های مختلف
- استقلال‌طلبی و پیاده‌سازی و نهادینه نمودن اقتصاد مقاومتی
- مهربانی با همدیگر و سرسختی با دشمنان
- بیداری و هشیاری
- تقویت انقلاب و ارزش‌های آن
- سالم‌سازی فضای مجازی
- عمل به قانون و وظیفه.

منابع

- استرایکر، شلدون. و دیگران. (۱۳۷۶). *میانی روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه؛ جواد طهوریان، مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول، جلد ۳، ص ۲۴۱.
- افضل‌ی، رسول. و کیانی، وحید. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی کیفی وضعیت روابط خارجی ایران در برنامه چهارم توسعه، *فصلنامه سیاست راهبردی کلان*، سال یکم، شماره یکم، صص ۱۰۵-۱۳۶.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۶). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی، چاپ سی و یکم، ص ۱۴۲.
- ایزدی، فواد. (۱۳۹۴). ابزارهای نفوذ و مداخله در سیاست خارجی آمریکا، *همایش استحکام ساخت درونی قدرت ملی ج.ا.ا. ایران*، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- آذربایجانی، مسعود. و دیگران. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، چاپ دوم، ص ۳۶۴.
- آقابخشی، علی‌اکبر. و افشاری‌راد، مینو. (۱۳۸۶). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: انتشارات چاپار، چاپ دوم، ویرایش ششم، ص ۳۱۴.
- بوشهری، علیرضا. و نظری‌زاده، فرهاد. (۱۳۸۷). *روندهای راهبردی جهانی مؤثر بر دفاع و صنایع دفاعی*، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- جعفری، علی‌اکبر. و پاینده، عظیمه. (۱۳۹۵). نقش آمریکا در تفرقه‌افکنی در ایران، *فصلنامه گنجینه اسناد*، سال بیست و ششم، دفتر اول، صص ۲۸-۵۸.
- خوش‌دهان، علی. (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی با تکنیک سناریوسازی*، تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- رضاییان، علی. (۱۳۸۶). *مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان*، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، ص ۷.

- روزنامه کیهان ۱۷ بهمن ۱۳۹۴، شناسه خبر: ۹۹۲۲۰۱.
- ستاری‌خواه، علی. (۱۳۹۳). *آینده‌پژوهی و سناریونویسی کاربردی*، تهران: انتشارات قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) آجا.
- ستاری‌خواه، علی. و همکاران. (۱۳۹۵). ماهیت صحنه‌های جنگ ترکیبی آینده‌ی احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*، سال اول، شماره ۱، تابستان ۹۵، صص ۲۷-۴۴.
- شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول، ص ۶۲۰.
- شوارتز، پیتر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت*، مترجم: عزیز علیزاده، تهران: انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- طاهری، علی. (۱۳۹۵). مختصات الگوی تهدیدات صحنه نبردهای آینده در سال ۱۴۰۴ با استفاده از روش نظریه داده بنیاد، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*، سال اول، شماره ۱، تابستان ۹۵، صص ۱۰۹ - ۱۲۷.
- غرباق‌زندی، داود. (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولت دوم جورج بوش بر علیه ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره اول.
- فرانزوی، استفن. (۱۳۸۱). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت و دیگران، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، صص ۱۷۷-۱۷۸.
- کرمی، علی. (۱۳۹۵). *جریان‌شناسی نفوذ در صدر اسلام با تأکید بر دوران حکومت حضرت علی (ع)*، تهران: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- محمدی، هادی. (۱۳۹۴). گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، ۱-۷-۹۴.
- مورهد، گری‌گوری. و گریفین، ریگی. (۱۳۸۵). *رفتار سازمانی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: انتشارات مروارید، چاپ یازدهم، صص ۳۸۲.
- مؤمن‌زاده، رضا. (۱۳۹۲). بازدارندگی دفاعی جدید جمهوری اسلامی ایران، *پژوهشنامه دفاع مقدس*، سال دوم، شماره هفت، پائیز، صص ۱۴۷-۱۷۹.
- نصیرزاده، عزیز. و همکاران. (۱۳۹۶). *سناریوهای راهبردی صحنه‌های آینده ج.ا.ا. در افق ۱۴۰۴*، پروژه تحقیقاتی مرکز مطالعات راهبردی آجا.

- Christia, F. Dekeyser, E. & Knox, D. (2016). *To Karbala: Surveying Religious Shi'a from Iran and Iraq*, Massachusetts Institute of Technology.
- Mike. F. (2007). *Consumer Culture and Postmodernis*, 2nd edition, SAGE Publications Ltd, p 83.
- Sylvan, D. & Majeski. S. (2009). *Clients, Enemies and Empire Foreign Policy in Perspective*: U.S. New York: Routledge.